

درپچه

امنیت مرزها

بستر فعالیت‌های اقتصادی است

■ **مهز:** مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می آیند و امنیت در آنها بستری مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی است.

یکی از عمده‌ترین مشکلات مناطق مرزی خالی شدن از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ در اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این مناطق است، در حالی که برای ایجاد امنیت در طول نوارهای مرزی کشور حضور مردم در این مناطق ضروری است.

به‌طبیعت منزوی و غیرحاصلخیز مناطق مرزی به‌خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه لازم برای زندگی زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه از عمده‌ترین آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی این مناطق است. حفاظت از مرزهای هر کشور از اهم مسایل حکومتی است که حکام منصوب دولت‌های یک‌صد سال اخیر، با گماردن افراد شرور و مسلح و با زاین زور و سلاح در حفظ امنیت داخلی و مرزی اهتمام داشتند.

استان‌های مرزی در فرآیند توسعه نقش انکارناپذیری دارند زیرا نوع تعامل مرزی ساکنان این مناطق با مردمان آن سویی مرز، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ویژه‌ای را رقم خواهد زد و ساماندنِ این تعاملات جز در پرتو مدیریت هوشمندانه که ضمن بقا و حفظ امنیت ارضی و استقلال اقتصادی کشور است میسر نیست و توسعه یکی از محورهای این مدیریت است.

عدم توسعه روستاهای مرزی، یکی دیگر از آسیب‌های مرزی است زیرا توسعه این مناطق قطعاً مانع مهاجرت روستائیان به شهرها خواهد شد. یکی از عمده‌ترین شاخص‌های این توسعه می‌تواند ایجاد رونق و گسترش بازارچه‌های مرزی بدون ملاحظات سیاسی، امنیتی میسر نخواهد بود. شاخص‌های استان‌های مرزی بسیار متنوع و متفاوت است، در مناطق جنوب وجود بنادر کشتیرانی و مسافرتی، در مناطق جنوب شرقی وجود بندر چابهار، در شمال کشور آب‌های خزر و بنادر مهمی که فعالیت دارند و همچنین توجه به مشترکات فرهنگی در مناطق ترک‌منشین، در شمال غربی توجه به اشتراکات فرهنگی و قومی تر کزبان و بازارچه‌هایی که جهت مرادات اقتصادی ایجاد شده و قابل گسترش است، در غرب توجه به ساماندنِ واردات کالاها و تدوین در اجرای قوانین در جهت تسهیل در ورود و خروج کالا در راستای مقابله با قاچاق و قاچاقچیان و در استان‌های جنوب غربی توجه به تردد زائران و ساماندنِ بازارچه‌ها و اماکنی که در این ارتباط فعال هستند، هر کدام می‌توانند نقش بسزایی در توسعه استان‌های کشور ایفا کنند.

نیکشهر در دل سیستان و بلوچستان

مردمی که در گرما و سرما

از حامل‌های انرژی محروم‌اند

■ **فارس:** نیکشهر در فصل گرما و سرما از حامل‌های انرژی محروم است. مردم نیکشهر خواستار توزیع نفت سفید در شهر نیکشهر و روستاهای بخش مرکزی، قصرقند و بنت هستند. آنها می‌گویند که در سال جاری حتی یک نوبت نفت سفید توزیع نشده و سرمای شدید شب را مجبور به استفاده از وسایل گرمایشی برقی هستند که موجب هزینه بالای برق مصرفی می‌شود و به این طریق باید سرمای زمستان را تحمل کنند اما معاون عمرانی فرماندار نیکشهر با تأیید عدم توزیع نفت در بخش‌های مرکزی و قصرقند و تعدادی از روستاهای دیگر شهرستان نیکشهر اظهار کرد: متأسفانه شرکت نفت چابهار این مناطق را گرمسیر اعلام کرده و مکاتبات زیادی انجام شده ولی هنوز جوابی نداده‌اند. صاحبگل صالحی افزود: مسوولان در تابستان به دلیل گرمای زیاد، این شهرستان را سردسیر و در زمستان به دلیل توزیع نفت آن را گرمسیر اعلام می‌کنند و این دوگانگی بین مسوولان و مردم شهرستان ایجاد کرده است. وی بیان داشت: تاکنون در ۲۲ روستای این شهرستان توسط فروشندگی تعاونی روستایی ۸۹۰ هزار لیتر نفت سفید در سطح شهرستان توزیع و حمل شده است. معاون عمرانی نیکشهر خواستار اختصاص سهمیه نفت سفید در این شهرستان شد که در بخش مرکزی و قصرقند توزیع شود. صالحی گفت: به دلیل ساماندنِ نفت سفید و توزیع کوبین و فروش هر لیتر یک هزار ریال و دریافت کارمزد ۱۶ ریالی فروشندگان تمایلی به خرید و توزیع نفت سفید ندارند ولی قبلاً چند لیست سیاه و نام چند نفر را می‌نوشتند و در عوض نفت را به صورت آزاد می‌فروختند و برایشان سودآورد ولی به اندازه کوبین تحویل و نفت توزیع کنند. وی افزود: بیش از ۱۸ هزار خاوار در انتظار توزیع نفت هستند. نماینده شرکت ناحیه نفتی نیکشهر نیز گفت: برای کالابرگ‌های یک تا چهار نفره، صد لیتر و خاوارهای پنج نفره به بالا ۱۴۰ لیتر نفت سفید تحویل داده می‌شود. ابراهیم حبیبی افزود: مکاتبات زیادی برای روستاهای باقی‌مانده انجام شده ولی تاکنون جواب قانع‌کننده‌ای در قبال توزیع نفت داده نشده‌است. مسوول توزیع نفت سفید شهری نیکشهر هم اظهار داشت: تاکنون چهار هزار و ۹۲۲ خاوار در سامانه تجارت آسان در شهرستان نیکشهر ثبت‌نام و کوبین دریافت کرده‌اند. الهی بلوچ ادامه داد: چند بار با مراجعه حضوری و مکاتبه برای ارسال نفت سفید به این فروشندگی، شرکت نفت چابهار اقدامی انجام نداده است. وی بیان کرد: فروشندگی شهری شماره یک شهری نیکشهر آمادگی کامل برای خرید و توزیع نفت سفید به مقدار مورد نیاز شهروندان نیکشهری را دارد.

سوزن‌دوزی یکی از ظرفیت‌ترین هنرهای دستی ایران است که طی آن تمام یا قسمت اعظم پارچه از کوک و بخیه‌های رنگین پوشیده شده است. این دوخت از اوایل صدر اسلام در میان بلوچ‌ها رایج و در دوره مغول و به‌خصوص تیموری و صفوی این هنر از رواج کامل برخوردار بود.

بدون تردید، سوزن‌دوزی بلوچ را باید در زمره یکی از اصیل‌ترین و جالب‌ترین صنایع دستی کشور به حساب آورد. این صنعت که در آن ذوق و خلاقیت زنان سوزن‌دوز به صورت طرح‌های سنتی – محلی که بیانگر خصوصیات و ویژگی‌های هر منطقه است خلاصه می‌شود، امروزه درمیان صنایع هنری و سنتی کشور مرتبه و مقام بسیار والایی دارد.

هر دختر بلوچ از سنین کودکی، ضمن آموختن و انجام امور مربوط به خانه‌داری، موظف به فرا گرفتن سوزن‌دوزی نیز هست و به‌سبب دخالتی که سلیقه‌های گوناگون در تهیه نوارهای سوزن‌دوزی دارد، می‌توان طرح‌ها و نقش‌های متنوع و اصیل سوزن‌دوزی را درمنطقه بلوچستان مشاهده کرد.

در سوزن‌دوزی به بیش از دو نوع ماده اولیه نیازی نیست: نخ و پارچه سوزن‌دوزان بر حسبامکانات و سلیقه از نخ دسمه (DMC)، یا از نخ‌های پاکستانی استفاده می‌کنند. پارچه‌هایی که روی آن سوزن‌دوزی انجام می‌گیرد یا پارچه پنبه پاکستانی است که نازک و ریزباف بوده و برای محصولات پیرکار در قطعات کوچک مورد استفاده قرار می‌گیرد یا پارچه گاندی ایرانی است که معمولاً به عرض ۱۲۰ سانتی‌متر در بازار زاهدان بافت می‌شود.

چندی پیش، خبری مبنی بر استاندارد‌سازی سوزن‌دوزی بلوچ منتشر شد. اداره کل استاندارد سیستان و بلوچستان با معاونت صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی تهاقم‌نامه‌ای امضا کرده و قرار شد سوزن‌دوزی بلوچ از بابت نخ دوخت، جنس و کیفیت مواد اولیه و نقش استاندارد شود.

این خبر در شرایطی اعلام می‌شود که هیچ حمایتی

از تولیدکننده صورت نمی‌گیرد. میزان تولید آنقدر کم

است که استاندارد‌سازی در عمل به یک شوخی می‌ماند.

تعداد تولیدکننده واقعی سوزن‌دوزی اصیل بلوچ بسیار

اندک است و همین تعداد اندک هم حمایت نمی‌شوند.

حمایت‌هایی مانند تهیه مواد اولیه، بازاریابی و پشتیبانی

که در نهایت از شاخصی صورت می‌گیرد که در بهترین

حالت دلالت‌نه تولیدکننده و کارآفرین. در این بین

افرادی هستند که نام کارآفرین برخود می‌گذارند اما

هیچ کدام از معیارهای کارآفرینی را ندارند. بیشتر

واسطه سوزن‌دوزی‌های افغانی و پاکستانی هستند یا در

افغانستان کارآفرینی می‌کنند.

در این بازار بلبشو بسیاری از سوزن‌دوزی‌های ماشینی پاکستانی به‌عنوان سوزن‌دوزی اصیل دستی بلوچ عرضه می‌شود.

روزگاری سوزن‌دوزی بلوچ تنها رودوزی ایران با بازار فعال اقتصادی بود و نمونه‌های فاخر این هنر را در کاخ نیاوران می‌توان مشاهده کرد. سوزن‌دوزان هم به دلیل فعال بودن سازمان صنایع دستی در بازاریابی از دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۷۰ اوضاع اقتصادی اگر نه خوب اما راضی‌کننده‌ای داشتند. اما اکنون سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان نه‌تنها خود را متولی بازاریابی محصولات صنایع دستی نمی‌داند بلکه بستری لازم برای فعالان صنایع دستی را فراهم نمی‌کند و میدان برای افراد دلال یا کسانی که هیچ تخصص و سابقه‌ای در صنایع دستی ندارند، باز شده‌است. مسوولان تاکنون بیشتر به‌صورت شماری و آماری کار کرده‌اند، نمایشگاه‌هایی برگزار می‌کنند اما سوزن‌دوز اصل بلوچ همیشه در حاشیه است و عنوان کارآفرین برتر، غرقه برتر و… نصیب همان نورچشمی‌هاست؛ نور چشمی‌هایی که اگر تحقیق کوچکی در مورد رفتارشان با سوزن‌دوزان‌شان شود، اشک بر چشم‌های هر دل‌نگرانی می‌نشانند.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

این بار برای سوزن‌دوز بلوچ

روستای قاسم‌آباد یکی از مراکز سوزن‌دوزی بلوچ است ولی هیچ‌کدام از اعضای شرکت تعاونی سوزن‌دوزان قاسم‌آباد، زنان و دختران سوزن‌دوز این روستا در آن عضو نیستند، قسمت اعظم کار‌های این شرکت تعاونی در افغانستان در استان بگرام و کندوز تهیه و به عنوان سوزن‌دوزی بلوچ ارایه می‌شود. مدیریت این شرکت تعاونی به عنوان کارآفرین نمونه انتخاب می‌شود!! کارآفرینی برای افغان‌ها! آیا بهتر نبود این اشخاص جواز کارآفرینی خودشان را از حامد کرزای بگیرند؟

معاونت صنایع دستی استان نه تنها شرایط و امکانات

لازم را برای نسل جوان فراهم نمی‌کند، بلکه برای معرفی

یک سوزن‌دوز به بانک جهت دریافت تسهیلات سه

میلیون تومانی، منت‌هایی بر سر هنرمند می‌گذارند که

گویی می‌خواهند با این معرفی‌نامه، میراث پدری‌شان را

بخشند، در صورتی که هر کسی که کارت صنعتگری در

هر رشت‌های داشته باشد، این وام را می‌تواند دریافت کند.

خون‌دلی که از سرانگشت زنان بلوچ می‌تراود

حکایت غریب سوزن‌دوزی بلوچ

حمید مقیمی/زاهدان



به دلیل عدم آشنایی هنرمندان سوزن‌دوز با حقوق‌شان هنرمند سوزن‌دوزها مدت‌ها در گیر دریافت یک معرفی‌نامه ساده می‌شوند.

صنایع دستی در بولتنی که حدود دو سال پیش چاپ کرده است اسم شش نفر را به عنوان سوزن‌دوزان با سابقه و بنام بلوچ آورده که از آن شش نفر، سه نفر از هنرمندان قدیمی استان هستند و سه نفر دیگر اگر مورد ارزیابی فنی قرار بگیرند، مشخص می‌شود به تمام نقوش و تکنیک‌های سوزن‌دوزی اصیل بلوچ آشنا نیستند.

دو نفر از این افراد معلم‌های بازنشسته‌اند. شاید به نظر مضحک بیاید اما این اشخاص فقط به دلیل داشتن سر و زبان بهتر جایگاه‌شان این‌گونه بالا رفته است. ترجیح می‌دهم اسم این سر و زبان را روابط عمومی خوب نگذارم. این سر و زبان بهتر به‌خطر داشتن تلویزیون، امکان داشتن و خواندن روزنامه و در کل زندگی در شهرهاست.

درد همین جاست. هنرمند واقعی به دلیل محرومیت از حقوق اولیه انسانی مثل محرومیت از داشتن سواد، تلویزیون، اینترنت و در حقیقت دوری از مرکز شهرستان و استان از تمامی حقوق خود بی‌خبر است.

در عرصه سوزن‌دوزی بلوچ به چند نام بزرگ برمی‌خوریم

از مهتاب نوروزی، که از دهه ۴۰ معروف بوده است،

در دو کتاب که قبل از سال ۱۳۵۷

منتشر شده نام برده شده است. در

کتاب «جای پای اسکندر» اسلام

کاظمی اشاره می‌کند: «مهتاب

را در قاسم‌آباد دیدم و کارش را»

و همچنین در کتاب «سیری در

صنایع دستی» که در سال ۱۳۵۵

چاپ شده از سوزن‌دوزان بلوچ، نام

مهتاب و زر خاتون که امروز به ملک

خاتون معروف است آمده یکی دیگر

از بزرگان این عرصه شهناز خلیلی

ایرندگانی است.

متأسفانه در تمام این سال‌ها

صنایع دستی نتوانسته است سوزن‌دوز مطرح دیگری

معرفی کند، زیرا نه تنها حمایتی در کار نبوده بلکه

برخوردهای تحقیرآمیز و ابزاری با نسل بعدی باعث شده

که سوزن‌دوزان رغبتی برای فعالیت و مطرح‌شدن نداشته

باشند

مهتاب، شهناز و زر خاتون را فقط برای نمایشگاه‌ها

می‌خواستند، جایی که ویتروینی بسازند از اسطوره‌های

سوزن‌دوزی بلوچ.

این استفاده ابزاری و تحقیرآمیز، فقط مختص میراث

فرهنگی نیست، روابط عمومی شهرداری ایرانشهر، آقای

محمدمدین دشتی که از گردانندگان وبلاگ آهنگ بلوچ

است ادعاهایی را مطرح می‌کند که فقط هندونه‌هایی

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوزن‌دوز بلوچ است را استثمار می‌کنند. درست‌است این

داستان تکراری و همان داستان سال‌های گذشته است.

سوزن‌دوزان بلوچ در روستاهای دور افتاده بلوچستان به

سر می‌برند و به همین دلیل اکثر آنها یا بی‌سوادند یا کم

سواد. حق و حقوق خود را نمی‌دانند، از غفلت کار خود

بی‌خبرند و این وسط زمینه برای افرادی که از روابط خود

استفاده می‌کنند تا خود را به‌عنوان سوزن‌دوز یا کارآفرین

مطرح کنند، آماده می‌شود؛ افرادی که به‌دلیل برخورداری

از تحصیلات، آگاهی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و روابط و

امکان برخورداری از تسهیلات، هنرمند اصلی‌ای که همان

سوز